پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۳۰، بهار و تابستان ۱۴۰۱

No. 30, Spring & Summer 2022

صص ۲۰۵-۲۲۶ (مقاله پژوهشی)

تفاوت معنی شناختی واژگان "توبه" و "إنابه" در صحیفه سجادیه بر پایه روابط همنشینی

مهدی داوری دولت‌آبادی[1]، سیده فاطمه سلیمی[2]، زهرا شاهوردی[3]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۱۳ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۴/۶)

چکیده

دو واژه "توبه" و "إنابه" از واژگان کلیدی در نظام دینی و به تبع آن گفتمان معصومان علیهم‌السلام می‌باشد که با توجه به نقش برجسته‌ی آن در ندامت از گناه و رجوع به مسیر الهی از ارزش والایی جهت تعمق در مفهوم‌شناسی و کاربست صحیح آن در نظام هستی برخوردار است. بررسی معنی‌شناختی این دو واژه به ظاهر هم‌معنی بنابر روابط همنشینی، به کاربست هر واژه در موقعیت خاص و ظرافت‌های معنایی نهفته در هر یک اشاره دارد که نقش جایگزینی واژگانی این جفت‌واژه را از بین خواهد برد. پژوهش حاضر بر آن است تا با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی پس از مفهوم‌شناسی لغوی این دو واژه به ارتباط معنایی واژگان "توبه" و "إنابه" با واژگان هم‌نشین در متن صحیفه سجادیه اشاره داشته و در این میان با تحلیل موردی برخی روابط همنشینی، به میدان معنایی هر واژه و ظرافت‌های ممیّزانه آن بپردازد؛ رهیافتهای حاصل آنکه واژه توبه در متن مذکور، در پی روابط همنشینی با واژگانی مانند "نَدَم"، "دعاء"، "معصیة"، "عفو" و "ضمایر عائد إلی الله"، مفاهیمی ویژه مانند "ندامت"، "فراخوانی خداوند و عبادت"، "ترک معصیت"، "حبط گناهان و فرجام خوش" و در نتیجه "سیر إلی الله" را مطرح می‌سازد و واژه "إنابه" نیز در پی همنشینی با "واژگانی همچون "معصیة"، "طاعة" و ضمایر ارجاعی به "الله"، ظرافت‌های معنایی خاصی همچون "تداوم ترک ارادی معصیت"، "بندگی خالصانه" و در نتیجه "سیر إلی الله" را تجلی داده است. با توجه به این خوانش، لوازم اولیه در این دو واژه از تفاوت برخوردار بوده چنانچه ندامت لازمه توبه و ترک معصیت لازمه انابه بوده و همین امر افزون بر معانی مشترک، ظرافت‌های معنایی ممیزانه‌ای را فراهم می‌آورد؛ مهم آنکه برآورد معنا بر اساس این سازوکار زبانی، مدلی روشمند به شمار آمده که از جایگزینی غیرنظام‌مند واژگان می‌کاهد و از عدم ترادف کامل واژگان سخن می‌گوید و فهم صحیح از واژگان و مراد اصلی خالق اثر را فراهم می‌آورد.

کلید واژه‌ها: *معنی‌شناسی، روابط همنشینی، هم‌معنایی، صحیفه سجادیه، توبه، انابه.*

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی قم، قم، ایران (نویسنده مسئول)؛ m.davari@quran.ac.ir

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده علوم قرآنی آمل، آمل، ایران؛ salimi@quran.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد(سطح ۳) مدرسی ادبیات عرب، حوزه علمیه خواهران؛ zahrashahverdy@yahoo.com

۱- مقدمه و بیان مسأله

زبان، ابزاری نظام‌مند برای تبادل اندیشه و حفظ روابط اجتماعی است. این ابزار ارتباطی بسان موجودی اندام‌واره (Organic)، دارای ساختارهای سازه‌ای، واژگانی، دستوری و معنایی به‌هم پیوسته بوده که در قالب یک واحد عمل می‌کند. (معموری، ۱۶۳) واژه‌پژوهی متن، جهت دریافت صحیح معنی با رویکردهای جدید معناشناسی و با تکیه بر روابط همنشینی، در شناخت جهان‌بینی واژه و حوزه معنایی آن اثرگذار خواهد بود؛ از این دریچه تفاوت معنایی هر واژه با واژگان به ظاهر هم‌معنا برجسته می‌گردد. (گیررتس، ۱۴۳) در پی روابط همنشینی که بر روابط دستوری و معنایی یک واحد با دیگر واحدهای زنجیره گفتار ارتباط دارد، ظرافت‌های معنایی واژه کشف می‌شود. بی‌تردید، همان‌گونه که گوینده یا نویسنده در ارائه‌ی سخن، باهم‌آیی واژگانی خاصی را شکل می‌دهد، خواننده نیز باید روابط همنشینی موجود را جهت فهم دقیق متن مورد مداقه قرار دهد چراکه معنی و پیام یک متن، در بن‌نوشته‌های آن متن قرار دارد. (تاجیک، ۵۱)

گزینش چنین رویکردی در نگاه معنی‌بنیاد به واژگان به‌ظاهر مترادف در متون دینی از جمله صحیفه سجادیه نیز قابل تأمل است، زیرا توجه به روابط همنشینی پدیدار در هر عبارتی، مؤلفهٔ معنایی هریک از این واژگان را نشان داده و از تناسب واژگان با موقعیت آیات سخن می‌گوید؛ همچنین می‌توان با توجه به این مدل روشمند با این سخن زبان‌شناسان همراه شد که ترادف مطلق و تام در میان واژه‌ها وجود ندارد زیرا دو واژهٔ کاملاً هم‌معنی باید بتوانند در تمامی بافت و سیاق‌ها به جای یکدیگر بنشینند؛ در حقیقت، هیچ دو واژه‌ای را نمی‌توان یافت که در تمامی عبارات زبان جانشین یکدیگر شوند و تغییری در معنای آن زنجیره پیش نیاید. (صفوی، ۱۰۶)

محوریت پژوهش حاضر، بررسی تفاوت معنی‌شناختی دو واژه به ظاهر هم‌معنای "توبه" و "انابه" در صحیفه سجادیه و به ویژه دعایی با عنوان "توبه" با رویکرد برخی از

روابط همنشینی است که معنای این واژه را پس از ورود به نظام زبانی این متن، از معنای اساسی و پایه به سوی سایر معانی ضمنی سوق می‌دهد. این دو واژه از مفاهیم مهم، پیچیده و پربسامد در صحیفه سجادیه است که در نظام معنایی متن مذکور در ارتباط و مجاورت با برخی واژگان خاص، مفهوم تازه و محتوای تصوری ویژه‌ای یافته و مؤلفه‌های معنایی گاه مشترک و منفاوتی را شکل می‌دهد. نوشتار حاضر بر آن است تا با بررسی معنی‌شناسی دو واژه "توبه" و "إنابه" در متن صحیفه با رویکرد روابط همنشینی به پرسش‌های ذیل پاسخ گوید:

در متن صحیفه، مهم‌ترین واژگان همنشین با واژه توبه کدام است و چه مؤلفه‌های معنایی را به دست داده است؟

در متن صحیفه، مهم‌ترین واژگان همنشین با واژه انابه کدام است و چه مؤلفه‌های معنایی را به دست داده است؟

در خوانش روابط همنشینی این دو واژه، چه تفاوت‌های معنایی قابل بررسی است؟

۲- پیشینه پژوهش

درمیان مطالعات و پژوهش‌های صورت گرفته در حوزۀ تفاوت معناشناختی دو واژه "توبه" و "إنابه" و تحلیل روشمند آن بر پایه روابط همنشینی، پژوهشهایی در شکلی عام و گاه با واکاوی در سایر متون دینی صورت گرفته است:

کتاب «استغفار و توبه» اثر مهوش عرب‌زاده (۱۳۷۸ش)؛ نگارنده در این کتاب، به مفهوم‌شناسی لغوی و اصطلاحی "توبه" و "استغفار" اشاره داشته و مؤلفه‌هایی مانند ارکان توبه، مصادیق، شرایط و زمان توبه و... را از نگرگاه قرآن و احادیث بررسی نموده است. گفتنی است نگاه معنابنیاد به واژگان با تکیه بر روابط همنشینی صورت نگرفته و پردازشی عام مورد توجه بوده است.

مقاله «توبه از دیدگاه قرآن و سنت» اثر محمود ویسی و همکاران(۱۳۹۱ ش)؛

نگارندگان در این مقاله، به مفهوم‌شناسی عام توبه و برخی الفاظ مترادف اشاره داشته و بـه شاخصه‌های عام آن در شکل فلسفه توبه، مصادیق آن در قرآن و احادیـث نبـوی و سـایر متون دینی و عرفانی اشاره داشته‌اند؛ خـوانش صـورت گرفتـه در ایـن اثـر، بـا رویکـرد معناشناسی و روابط مفهومی زبانی نبوده است. گفتنی است این مصادیق از صحیفه سجادیه نیز استخراج نشده است.

پایان‌نامه «معناشناسی واژه توبه در قرآن» اثر راضـیه اشـرافیان (۱۳۹۵ش)؛ نگارنـده بـه معناشناسی تاریخی واژه و همچنـین معناشناسـی توصـیفی آن و واژگـان مترادفـی همچـون ندامت، استغفار و... اشاره داشته اما بحث روابط همنشینی در بررسی آیات مطرح نبوده است.

با توجه به پژوهش‌هـای صـورت گرفتـه پیرامـون "روابـط همنشـینی" و ارزش آن در شناسایی تفاوت معناشناختی واژگان به ظاهر مترادف و خوانش معنابنیاد آن در متون دینی و به ویژه متن صحیفه سجادیهٔ، پژوهشی که به تعیین مؤلفه‌های معنایی دو واژه توبـه و انابـه در شکل روابط همنشینی در متن صحیفه بپردازد، چندان به چشم نمی‌خورد، لذا پژوهش حاضـر بر آن است تا با روش توصیفی- تحلیلی و با تکیه بر روابـط همنشـینی موجـود در ایـن دو واژه، به مراد اصلی گزینش خاص واژگان و ظرافت‌های معنایی موجود در هر یـک بپـردازد. گفتنی است با توجه به بسامد بالای تنوع واژگان هم‌نشین با این دو واژه، برخی از واژگان بـه شکل موردی انتخاب شده تا بستر شناسایی مؤلفه‌های معنایی از این طریق فراهم گردد.

۳- روابط همنشینی در گسترهٔ معنی‌شناسی متن

روابط مفهومی از مهم‌ترین مباحثی است که واژگان واحد زبان در آن وارد می‌شوند؛ در اصل، طرح این روابط، توصیفی از عملکرد زایای زبان می‌باشد که بر دو محور همنشـینی/ افقی (syntagmatic) و جانشینی/ عمـودی (paradigmatic) اسـتوار اسـت. (چنـدلر، ۱۲۷) رابطه همنشینی (ترکیبی)، در اصل رابطهٔ موجود میان واحدهایی را شکل مـی‌دهنـد کـه در ترکیب با یکدیگر قرار می‌گیرند و عمل انتقال معنی را انجام می‌دهند؛ همنشینی، بـه عنـوان

پیوستگی یک واژه با سایر واژگان، جملاتی از نـص را شـکل مـی‌دهنـد (اِچسـون، ۱۲۲) تحلیل چنین روابطی در حفظ یا تغییر اولیه واحدهای معنایی مؤثر می‌باشد. (صفوی، ۲۵۷)

در نظام معنی‌شناختی، نخست، فهم معنای یک واژه بنابر معنـای اساسـی و یـا وضـعی شکل می‌گیرد سپس در تکمیل حوزهٔ معنایی آن واژه باید به ارتباط آن بـا سـایر واژگـان توجه نمود؛ در حقیقت می‌توان گفت در نظام زبان، واژگـان پـیش از ورود بـه درون نظـام نشانه‌ای، معنایی اصلی داشته و کاربست آن در محور همنشینی معانی نسـبی و یـا سـیمای دومی را با واژه حمل می‌نماید؛ این امر حوزه‌های معنایی جدید و حواشـی تـازه‌ای بـرای واژگان به وجود می‌آورد. (قائمی‌نیا، ۲۲۶).

روابط همنشینی در حوزه‌های مختلفی مانند هم‌معنایی واژگان، کانون‌هـای کـاربردی واژه و تقابل معنایی قابل بررسی است که خوانش هر یک از این حوزه‌ها در شناسـایی میـدان معنـایی واژه تأثیرگذار خواهد بود؛ در حقیقت روابط همنشینی نتایج معنایی جدیدی به دسـت مـی‌دهـد که تحلیل‌گر متن با گزینش این مدل زبانی و حتی بدون توجـه بـه روابـط جانشـینی بـه وادی جدید معنی پا می‌نهد؛ به تعبیری روشن، این رابطه قرینه‌ای برای زایش یـک معنـی و یـا کشـف دلیل ارتباط میان برخی واژگان در متون مختلف می‌گردد. (همو، ۲۳۱).

در هر زبان، قاعده کلی بر این استوار است که در ازای یک معنا، فقـط یـک لفـظ وجـود داشته باشد؛ (عبدالتواب، ۳۴۹) چنانچه "سبکی" به نقل از "بیضاوی" ترادف را خلاف اصـل می‌داند.(سبکی، ۲۴۱/۱) بر این اساس، توجّه به روابط همنشینی واژگان به ظاهر مترادف بـه تفاوت معنی‌شناختی واژگان و در حقیقت عدم جایگزینی واژگانی و اذعان به تـرادف نسـبی اشاره دارد که برجستگی‌های زبانی متن و اوج خلاقیت خالق اثر را به نمایش می‌گذارد.

٤- مفهوم‌شناسی واژه توبهٔ

در مفهوم‌شناسی لغوی، واژه "توبهٔ"، مصدر ثلاثی مجرد از "تابَ-یَتـوبُ" و جمـع آن "تَوب" می‌باشد. برخی توبـهٔ را در معنـای "رجـوع" و "إنابـه" دانسـته‌انـد. (الأزهـری،

۲۳۶/۱۴؛ إبن‌سیده، ۵۴۱/۹) ابن‌فارس معنای اصلی و وضعی این واژه را رجوع مـی‌دانـد. (إبن‌فارس، ۳۵۷)؛ مصطفوی معنای اصلی ماده «توب» را رجوع از گناه (ذنب) بـه همـراه پشیمانی (نَدَم) از آن می‌داند. لذا در مؤلفه معنایی واژه توبه در صورتی اسـت کـه بـه بنـده نسبت داده شود، می‌توان مفهوم (ندم) و (رجوع) را مشاهده نمود. این واژه اگر بـه خداونـد نسبت داده شود با حرف جر «علی» به کار مـی‌رود و بـر رجـوع از راه برتـری و اسـتیلا دلالت می‌کند. (مصطفوی، ۴۳۱) با توجه به آنکه ایـن نـدامت در وجهـی خـاص صـورت می‌گیرد، توبه، اخص از ندم معرفی شده است؛ زیرا گاه انسان از چیزی پشیمان می‌شود امـا به قبحش اعتقادی ندارد حال آنکه پشیمانی در توبه بدون اعتقاد به قبح حاصل نمـی‌شـود. (عسکری، ۱۴۶/۱–۱۴۷). با شناسایی لـوازم و مصـادیق واژه توبـه در صـحیفه سـجادیه می‌توان به معنای عمیق‌تری از این واژه دست یافت. چنان‌چه بررسی همنشین هـا و لـوازم معنایی، کمک شایانی برای رسیدن به معنای صحیح‌تـر واژه توبـه مـی‌کنـد و کـار مقایسـه واژگان توبه و إنابه را تسهیل می نماید.

۵- معناشناسی واژه "توبه" در گستره روابط همنشینی

واژه توبۀ به همراه مشتقاتش ۵۶ بار در صحیفه سجادیه آمده اسـت کـه ۳۵ مرتبـه بـه شکل مصدری به کار رفته است.

با توجه به کلام امام سجادؑ همنشینی ویژه‌ای میان توبه با صفاتی ماننـد فضـل الهـی، توبه پذیری و رحمت خاص (رحیمیت) پروردگار صورت گرفته که ضرورت طلب توبـه را بیان می‌دارد: «فَارْحَمْنِی یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ ...وَ تُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ» (صحیفه سجادیه، ۲۲/۱، ۷/۵۰) همچنین باهم‌آیی واژگانی توبه با مؤلفه‌هایی مانند وجود بصیرت و تفکر بنده نسبت به اعمالش به ویژه در آنچه با خداوند مخالفت نمـوده (صـحیفه سـجادیه، ۷/۳۱) و حتی عاملی چون بیماری (صحیفه سجادیه، ۴/۱۵) مـی‌تواننـد محـرک و مقدمـه توبه در انسان گنهکار باشند. گفتنی است زمینه‌های توبه نیز با خوانشی زبان‌شـناختی و بـا

رویکرد همنشینی واژگانی فراهم آمده است، چنانچه در برخی تعابیر بدست آمـده از مـتن صحیفه، این باهم‌آیی به نمایش درآمده که خداوند متعال با پوشاندن عیوب (سِتر العـورة) و پنهان کردن فساد بنده‌اش و حلم در برابر عصیان‌گران و مهلت دادن به آنها، همـواره زمینـه توبه را آماده می‌کند: «فَاجْعَلْ مَا سَتَرْتَ مِنَ الْعَوْرَةِ وَ أَخْفَيْتَ مِنَ الدَّخِيلَةِ وَاعِظاً لَنَا وَ زَاجِـراً عَنْ سُوءِ الْخُلُقِ وَ اقْتِرَافِ الْخَطِيئَةِ وَ سَعْياً إِلَى التَّوْبَةِ الْمَاحِيَةِ...». «پس این پوشاندن عیبهـا و پنهان نگاه‌داشتن فسادها را برای ما پنددهنـده و بازدارنـده‌ای از بـدخویی و ارتکـاب معصـیت و وسیله‌ی پیمودن راه توبه‌ای که گناه را می‌زداید، قرار ده» (صحیفه سجادیه، ۳/۳۴، ۹/۴۵).

با توجه به تعابیر مطرح شده در متن صحیفه، موضوعات مهمـی از توبـهماننـد، زمـان توبه، علل توبه، شرایط پذیرش توبه و لوازم و ضروریات پیدایش توبه مطرح شده است که شناسایی هر یک در گستره روابط همنشینی واژگان مرتبط با "توبه" قابل تحلیل می‌باشـد: در این میان علل توبه در باهم‌آیی صورت گرفته با گناهـان و لغـزش‌هـا (زلّـات) ترسـیم می‌گردد: «اللَّهم إنی أتوب إلیک فی مقامی هذا من کبائر ذنوبی و صغائرها، وبواطِن سیِّئاتی وظواهِرِها وسوالِفِ زَلَّاتِی وَحوادِثِها، توبةَ مَن لایُحَدِّث نفسَهُ بمعصیته ولایُضمِرُ أنیَعـود فِـی خطیئَتِه (صحیفه سجادیه، ۶/۳۱ و ۱۴).

از دیگر باهم‌آیی صورت گرفته در واژه "توبه"، همنشـینی دو واژه بـه ظـاهر متـرادف "توبه" و "إنابه" بوده است: «الَّذِی عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ ...وَ أَيْقَنَ أَنَّهُ ... لَا مَهْرَبَ لَـهُ عَنْـكَ تَلَقَّاكَ بِالْإِنَابَةِ وَ أَخْلَصَ لَكَ التَّوْبَةَ فَقَامَ إِلَيْكَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِيٍّ ثُمَّ دَعَاكَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِيٍّ» (همانجا، ۸/۱۲)؛ با توجه به آنکه امامؑ توبه کننده را با حالت "انابه" توصیف مـی‌کننـد، می‌توان در این خوانش معنایی "إنابه" را لازمه "توبه" دانست.

در صحیفه سجادیه، دو واژه «إصـرار بـر گنـاه» و «عصـیان» نیـز در بررسـی روابـط همنشینی، در تقابل معنایی با واژه توبۀ قرار گرفته‌اند: «وَصَیِّرنا إلی مَحبوبِـکَ مِـنَ التَّـوبـةِ وأزِلنا عَن مَکروهِـکَ مِـنَ الإصـرار» (صـحیفه سـجادیه، ۱/۹، ۵/۴۰) و از سـویی دیگـر "عصمت" و "قوت" الهی نیز با همنشینی‌های صورت داده، به موضوع "عوامل حفظ توبه"

اشاره می‌کنند: «اللهمَّ وإنَّه لاوَفاء لی بالتَّوبة إلَّا بِعِصمَتِک، ولا استمساکَ بی عَن الخَطایا إلَّا عَن قُوَّتِک..» (صحیفه سجادیه، ۱۹/۳۱).

۵-۱. همنشینی واژه توبه با "نَدِمَ"

«نَدَم» مصدر ثلاثی مجرد از فعل لازم "نَدِمَ- یَندَمُ" می‌باشد (إبن‌أثیر، ۳۶/۵). در لغت‌نامه‌ها به معنای حسرت و افسوس بر امری که زمانش گذشته، آمده است. (إبن‌عباد، ۱۴۱۴، ۳۲۸/۹؛ إبن‌فارس، ۵ /۴۱۱؛ راغب اصفهانی، ۷۹۶). عسکری نیز توبه را اخص از ندم می‌داند زیرا توبه، پشیمانی از چیزی همراه با اعتقاد بر قبح آن است اما در "ندم" فقط پشیمانی لحاظ شده است؛ بنابراین هر ندمی توبه نیست در حالیکه هر توبه‌ای ندم است. (عسکری، ۱۴۷/۱). مصطفوی نیز معنای ماده "ندم" را رویگردانی (انصراف) و دور شدن (انزجار) مطلق از چیزی که از خود شخص واقع شده، بیان کرده است. (مصطفوی، ۷۴/۱۲).

واژه ندم به همراه مشتقاتش، ۱۰ بار در صحیفه آمده که در ۴ موقعیت با "توبه" همنشین شده است:

أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا تَوْبَةَ نَادِمٍ عَلَى مَا فَرَطَ مِنْهُ (صحیفه سجادیه، ۱۲/۱۲).

لَکِنْ لِتَسْمَعَ سَمَاؤُکَ وَ مَنْ فِیهَا وَ أَرْضُکَ وَ مَنْ عَلَیْهَا مَا أَظْهَرْتُ لَکَ مِنَ النَّدَمِ، وَ لَجَأْتُ إِلَیْکَ فِیهِ مِنَ التَّوْبَةِ (صحیفه سجادیه ۲۶/۳۱ و ۲۸).

أَعْتَذِرُ إِلَیْکَ یَا إِلَهِی مِنْهُنَّ وَ مِنْ نَظَائِرِهِنَّ اعْتِذَارَ نَدَامَةٍ یَکُونُ وَاعِظاً لِمَا بَیْنَ یَدَیَّ مِنْ أَشْبَاهِهِنَّ. (صحیفه سجادیه، ۲/۳۸ و۳).

لَکَ مِنَ قُلُوبِنَا عَقْدُ النَّدَمِ، وَ مِنْ أَلْسِنَتِنَا صِدْقُ الِاعْتِذَارِ (صحیفه سجادیه، ۲/۴۵).

آنچه در باهم‌آیی واژگانی "توبه" و "ندم" در محور همنشینی قابل توجه است؛ آنکه "ندم" از مهمترین لوازم و مؤلفه‌های معنایی توبه می‌باشد، زیرا ناظر بر لغزش‌های گذشته است و به تبع آن، توبه نیز می‌تواند این ویژگی را داشته باشد. از سویی دیگر اگر امام﵇ در فراز ۲۸ دعای توبه «أللّهم إن یکن الندمُ توبةً إلیک فأنا أندمُ النادِمین و إن یکن الترکُ

لمعصیتِک إنابةً فأنا أولُ المُنیبین»، "ندم" را در معنای توبه گرفته‌اند، شاید به این علت باشد که ندم از مهمترین لوازم توبه است و گویا ایشان با این بیان قصد تأکید بر ضرورت ندامت در توبه را داشته‌اند؛ به نظر می‌رسد ضرورتی که در همراهی ندامت هنگـام توبـه وجـود دارد در باقی لوازم آن مشهود نمی‌باشد. چنانکه یکی از اندیشمندان، در تبیین فراز ۲۸ از دعـای توبـه بر ریشه توبه یعنی پشیمانی تأکید داشته است. به اعتقاد ایشـان معنـای اگرهـا –«و إن»– در این فراز در معنای حقیقی خود نیست بلکه در معنـای اسـتعطاف (طلـب لطـف و رحمـت از خداوند) است به طوریکه امام﴿ع﴾ به ما آموزش می‌دهند اصل توبـه پشـیمانی اسـت کـه ایـن پشیمانی یک قید دارد و آن هم این است که باید فقط برای خداوند باشد.(فاطمی‌نیا، ۱۳۹۷).

در بررسی رابطه همنشینی «توبه» و «ندم» ملاحظه می‌شود که نـدم از آثـار توبـه و از لوازم اولیه آن است و توبه در معنای رجوع إلی الله و گریز از معاصی بـوده کـه از شـرایط پذیرش این ندامت است. ندم و توبه تفکیک‌ناپذیر هستند؛ بدین شکل که ندم مکمل توبـه و رجوع در این ندامت نیز شرط لازم پذیرش این ندامت اسـت. بـر ایـن اسـاس در تعیـین مؤلفه‌های معنایی توبه در رابطه همنشینی با ندم می‌توان آن را ندامت قلبی همـراه بـا سـیر إلی‌الله و تبلور عملی این رجوع با حق‌مداری و معصیت‌گریزی دانست.

۵-۲. همنشینی واژگانی توبه و دعاء

واژه "دعاء" و "دَعوَه" مصدر ثلاثی مجرد از "دَعَـا– یَـدعُو" مـی‌باشـد. (إبـن‌دریـد، ۶۶۶/۲؛ صافی، ۳۷۶/۲). ازهری معنای دعا را در ۳ صورت بیان مـی‌کنـد. ۱– توحیـد و ثنای خداوند: "ربَّنا لک الحَمدُ" ۲– در خواست از خداوند بـرای عفـو و رحمـت: "اللّهُـم اغفِرلَنَا" ۳– درخواست بهره از دنیا "اللّهم ارزُقنِی مالاً و ولداً". وی معتقد است همـه اینهـا را دعا می‌گویند چون از انسان با ندا دادن أسماء یا صفات خداوند (اللهم، ربّنـا، یـارَحمن) صادر می‌شود. (أزهری، ۷۶/۳)

إبن‌فارس معنای اصلی برای ماده "دعو" را مایل نمودن چیزی بـه سـویت بـه وسـیله صوت و کلامی از خودت «هو أن تَمیلُ الشیء إلیک بِصَـوتٍ و کـلامٍ یَکـونُ منـک» بیـان

می‌کند سپس فرق «دعوه» با «دعاء» را در این می‌داند که واژه «دعوه» میل دادن چیزی به سوی طعام است. (إبن فارس، ۲۷۹/۲).

در التحقیق معنای اصیل ماده «دعو» طلب چیزی جهت تمایل یا رفتن یا رغبت به سوی او، بیان شده است: «هو طلبُ الشیء لأنّ یَتَوجَّه إلیه أویسیرُ إلیه أو یرغَب الیه» که معنای هر مورد بر حسب همان مورد است. سپس ندا را مقدمه دعا و إستغاثه را از لوازم آن و دعا به معنای مطلق را میل و توجه می‌داند (مصطفوی، ۲۳۸/۳).

دعا به همراه سایر مشتقاتش، ۶۱ مرتبه در صحیفه سجادیه آمده که در ۲ مورد با واژه توبهٔ همنشین شده است. (صحیفه سجادیه، ۸/۱۲، ۸/۵۱). در برخی از فرازهای صحیفه که امام‌ؑ در مقام توبه کننده می‌باشند، دعا و خواندن خداوند جایگاه ویژه‌ای دارد؛ به طوری که به نظر می‌رسد دعا کردن یکی از لوازم توبه است، چنانکه در فراز «... وَ أَخْلَصَ لَکَ التَّوْبَةَ فَقَامَ إِلَیْکَ بِقَلْبٍ طَاهِرٍ نَقِیٍّ ثُمَّ دَعَاکَ بِصَوْتٍ حَائِلٍ خَفِیٍّ» آمده است. یعنی دعا می‌تواند با توبه همراه باشد. (صحیفه سجادیه، ۸/۱۲) همچنین در فراز «...رَبِّ تَائِباً فَتُبْ عَلَیَّ مُتَعَوِّذاً ... دَاعِیاً فَلَا تَرُدَّنِی خَائِباً» این همنشینی مشهود است. (صحیفه سجادیه، ۸/۵۱). از سویی دیگر، با توجه به کلام امام‌ؑ «وَیَا مَنْ ضَمِنَ لَهُمْ إِجَابَةَ الدُّعَاءِ» (صحیفه سجادیه، ۱۰/۱۲) می‌توان گفت: «إجابت» نیز یکی از مهمترین نتایج دعاست و با توجه به اینکه إجابت نتیجه دعاست و «دعا» نیز می تواند لازمه «توبه» باشد، پس می‌توان «إجابت» را به معنای توبه اضافه نمود و آن را از لوازم توبه نیز دانست؛ همچنین در فراز دیگری، امام‌ؑ دعا را مصداقی از عبادت پروردگار ذکر می‌کنند که ترک آن إستکبار بنده و در نهایت دخول به جهنم را در پی دارد: «وَ قُلْتَ ادْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ إِنَّ الَّذِینَ یَسْتَکْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِی سَیَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ فَسَمَّیْتَ دُعَاءَکَ عِبَادَةً وَ تَرْکَهُ اسْتِکْبَاراً وَ تَوَعَّدْتَ عَلَی تَرْکِهِ دُخُولَ جَهَنَّمَ دَاخِرِینَ» (صحیفه سجادیه، ۱۵/۴۵)؛ بنابراین به نظر می‌رسد می‌توان «توبه» را به سبب ملازمت دعا با آن، "عبادت پروردگار" نیز محسوب کرد، با توجه به این محور همنشینی، بعد عملی توبه که عبادت الهی و دعا به درگاه حضرت حق و پیوند با خالق هستی است، اهمیت می‌یابد.

۵-۳. همنشینی واژگانی توبه و معصیت

واژه معصیت مصدر ثلاثی مجرد از "عَصَی- یَعصِی" می‌باشد (فراهیدی، ۱۹۸/۲) و بیشتر لغت‌نامه‌ها آن را در مقابل طاعت و به نوعی خروج از آن بیان کرده‌اند. (إبن درید، ۱۰۷۶/۲؛ جوهری، ۲۴۲۹/۶؛ راغب اصفهانی، ۵۷۰). ابوهلال عسکری معتقد است که معصیت چیزی است که از آن نهی می‌شود. (عسکری، ۵۰۳/۱). مصطفوی نیز معنای اصلی ماده عصی را در مقابل «إتّباع» یعنی عدم تبعیت به طور مطلق، بدون در نظر گرفتن نتیجه حاصل از آن بیان می‌کند. (مصطفوی، ۱۹۲/۸).

واژه معصیت به همراه مشتقاتش ۴۳ بار در صحیفه آمده است. در کلام امام، حمد خداوند، روزه (صیام) و قرآن کریم به عنوان موانعی برای معصیت خداوند ذکر شده‌اند. (صحیفه سجادیه، ۱۳/۳۲، ۱۰/۴۲، ۶/۴۴). برای نمونه در فراز «... وَ اجْعَلِ الْقُرْآنَ لَنَا فِی ظُلَمِ اللَّیَالِی مُونِساً وَ مِنْ نَزَغَاتِ الشَّیْطَانِ وَ خَطَرَاتِ الْوَسَاوِسِ حَارِساً وَ لِأَقْدَامِنَا عَنْ نَقْلِهَا إِلَی الْمَعَاصِی حَابِساً ...» ایشان از خداوند می‌خواهند قرآن را بازدارنده‌ای برای معاصی قرار دهد. همچنین با توجه به کلام ایشان می‌توان غضب الهی، خوار شدن بنده توسط شیطان و تباهی حسنات را از نتایج معصیت به شمار آورد: «وَ لَا تُحْبِطْ حَسَنَاتِی بِمَا یَشُوبُهَا مِنْ مَعْصِیَتِکَ ...» «و کارهای نیک مرا به سبب معصیت و نافرمانی که با آن آمیخته می‌شود... تباه مساز» (صحیفه سجادیه، ۲/۱۷، ۱۳/۳۲، ۱۳۱/۴۷) همچنین در صحیفه سجادیه، واژه معصیت بارها در تقابل با واژه طاعت آمده است: «حِفْظاً عَاصِماً مِنْ مَعْصِیَتِکَ، هَادِیاً إِلَی طَاعَتِکَ، مُسْتَعْمِلاً لِمَحَبَّتِکَ» (حفظی که ما را از نافرمانی‌ات باز دارد و به فرمان برداریت راهنمایی کند و برای عشق و محبّتت به کار گیرد.) و یا در عبارتی دیگر آمده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ، وَقِنِی مِنَ الْمَعَاصِی، وَ اسْتَعْمِلْنِی بِالطَّاعَةِ، وَ ارْزُقْنِی حُسْنَ الْإِنَابَةِ، وَ طَهِّرْنِی بِالتَّوْبَةِ، وَ أَیِّدْنِی بِالْعِصْمَةِ» (خدایا! بر محمّد و آلش درود فرست و مرا از گناهان حفظ کن و به طاعت و فرمانبرداری از خود به کار گیر و نیکو بازگشت را روزی‌ام ساز و به توبه پاکم کن و به دوری از گناه یاری‌ام ده). (نک: صحیفه سجادیه، ۱۷/۶، ۲/۸، ۳۳/۱۶، ۳/۲۳، ۱۰/۳۷ و ۱۴).

با تکیه بر روابط همنشینی در ۳ فراز از متن صحیفه، رابطه بیناواژگانی میان «معصیت» با واژه توبهٔ صورت گرفته است. در فراز «... وَ اجْعَلْ خِتَامَ مَا تُحْصِی عَلَیْنَا کَتَبَةُ أَعْمَالِنَا تَوْبَةً مَقْبُولَةً لَا تُوقِفُنَا بَعْدَهَا عَلَى ذَنْبٍ اجْتَرَحْنَاهُ وَ لَا مَعْصِیَةٍ اقْتَرَفْنَاهَا» (صحیفه سجادیه، ۳/۱۱). امام در مقام توبه کننده از خداوند درخواست توبه‌ای را دارند که محوکننده تبعات معاصی- که همان توبیخ و سرزنش الهی است- باشد. بنابراین با توجه به کلام ایشان می‌توان عدم توبیخ الهی به سبب معاصی را از نتایج توبه دانست. در فراز «اللَّهُمَّ إِنِّی أَتُوبُ إِلَیْکَ فِی مَقَامِی هَذَا مِنْ کَبَائِرِ ذُنُوبِی ... تَوْبَةَ مَنْ لَا یُحَدِّثُ نَفْسَهُ بِمَعْصِیَةٍ» (صحیفه سجادیه، ۱۴/۳۱) نیز امام آن‌گونه توبه‌ای را از خداوند طلب می‌کنند که با توبه‌اش حتی فکر معصیت را نیز نکند؛ گویا ایشان با این عبارت می‌خواهند به رابطه مستقیم بین توبه و عدم معصیت اشاره نمایند؛ به طوری که می‌توان ترک معصیت که بنا بر نظر امام همان «إنابه» است، (صحیفه سجادیه، ۲۸/۳۱) را از لوازم توبه در نظر گرفت.

در فراز «أَمِتْنَا مُهْتَدِینَ غَیْرَ ضَالِّینَ طَائِعِینَ غَیْرَ مُسْتَکْرِهِینَ تَائِبِینَ غَیْرَ عَاصِینَ وَ لَا مُصِرِّینَ...» (صحیفه سجادیه، ۴۰/ ۵)، در همنشینی «عاصین» با «تائبین» نیز می‌توان همین تحلیل را ارائه نمود. با توجه به رابطهٔ همنشینی میان «توبه» و «معصیت» در برخی از فرازهای صحیفه، می‌توان بدین مؤلفه‌های معنایی اشاره نمود که توبه رابطه‌ای مستقیم با ترک معصیت دارد؛ در این زمینه تثبیت نفس مطرح می‌شود و مصونیت از وسوسه‌های نفسانی و معاصی شکل می‌گیرد لذا توبه در این همنشینی مؤلفه‌های معنایی همچون (رجوع إلی‌الله) و (معصیت) را در برمی‌گیرد.

٤-۵. همنشینی واژگانی توبه و عفو

واژه "عَفو" مصدر ثلاثی مجرد از فعل "عَفَا یَعفُو عَفواً" می‌باشد. برخی لغت‌نامه‌ها آن را مقابل عقوبت معنا کرده‌اند (إبن‌درید، ۹۳۸/۲). عسگری در مقایسه دو واژه "عفو" و "غفران" می‌گوید که عفو از میان رفتن نکوهش را اقتضا می‌کند اما واجب شدن ثواب را

اقتضا نمی‌کند، برخلاف غفران که ایجاب ثواب را نیز اقتضا می‌کند پس این امر فقط مخصوص خداوند است؛ بر این اساس واژه‌ی عفو افزون بر خداوند در مورد عبد (غیر خداوند) نیز استعمال می‌شود پس می‌توان گفت «عَفا زیدٌ عن عمروٍ» یعنی زید عمرو را عفو کرد. (عسکری، ۳۸۷/۱).

ابن‌فارس دو معنای مجزا برای آن ذکر کرده است. ۱- ترک چیزی ۲- طلب چیزی (إبن‌فارس، ۵۶/۴) در مفردات راغب «عَفو» به معنای "قصدِ گرفتن چیزی"، آمده است. (راغب اصفهانی، ۵۷۴).

مصطفوی نیز «عفو» را دارای یک اصل می‌داند و آن صرف نظر از چیزی است که اقتضای آن نظر و توجه است. (مصطفوی، ۲۲۱/۸ و ۲۲۲).

آنچه در صحیفه سجادیه درباره واژه عفو نمایان است این است که مصداق عفو کننده علاوه بر خداوند متعال شامل بندگان نیز می‌باشد. امام‌ؑ در برابر عفو کسانی که به ایشان بد کرده‌اند از خداوند طلب عفو برای خود می‌نمایند: «وَعَوِّضْنِی مِنْ عَفْوِی عَنْهُمْ عَفْوَکَ وَ مِنْ دُعَائِی لَهُمْ رَحْمَتَکَ حَتَّى یَسْعَدَ کُلُّ وَاحِدٍ مِنَّا بِفَضْلِکَ وَ یَنْجُوَ کُلٌّ مِنَّا بِمَنِّکَ» «و جزای مرا در برابر عفو من از ایشان، عفوت، و در برابر دعایم در حق آنان رحمتت قرار ده، تا هر کدام از ما به سبب فضل تو سعادتمند شده، و هر یک از ما به احسان تو رستگار گردیم» (صحیفه سجادیه، ۲/۳۹ و ۳) همچنین توجه به این فراز این نتیجه‌گیری را در پی دارد که عفو دیگران توسط بنده می‌تواند جزای نیک و عفو پروردگار را نیز در پی داشته باشد.

با توجه به کلام امامؑ، "عفو خداوند" روابط همنشینی را با واژگانی چون "سیئه"، "ذنوب"، "خطیئه" به دنبال دارد. همچنین ایشانؑ بارها از واژه "عِقاب" در مقابل واژه "عفو" استفاده نموده‌اند: «وَأَنْتَ الَّذِی عَفْوُهُ أَعْلَى مِنْ عِقَابِهِ» (صحیفه سجادیه، ۷/۱۶ و ۲۹) (شَفِّعْ فِی خَطَایَایَ کَرَمَکَ، وَعُدْ عَلَى سَیِّئَاتِی بِعَفْوِکَ، وَ لَا تَجْزِنِی جَزَائِی مِنْ عُقُوبَتِکَ) (۲۴/۳۱) همچنین در فرازی از دعای عرفه امامؑ به این همنشینی تقابلی اشاره می‌کند: «وَ أَنَّکَ بِأَنْ تَعْفُوَ أَوْلَى مِنْکَ بِأَنْ تُعَاقِبَ، وَ أَنَّکَ بِأَنْ تَسْتُرَ أَقْرَبُ مِنْکَ إِلَى أَنْ تَشْهَرَ».

(صحیفه سجادیه، ۱۱۶/۴۷) و از آثار عفو الهی کـه در کـلام امـام﴿ع﴾ بـه آن اشـاره شـده، پوشاندن (ستر) گناهان بنده در دنیا، مصونیت بنده از عواقب خطاهایش در آخرت و رهایی از خشم و غضب (سخط) خداوند می‌باشد که به یک فراز اشاره می‌شود: «اللَّهُمَّ لَا خَفِيرَ لِی مِنْکَ فَلْيَخْفُرْنِی عِزُّکَ، وَ لَا شَفِيعَ لِی إِلَيْکَ فَلْيَشْفَعْ لِـی فَضْـلُکَ، وَ قَـدْ أَوْجَلَتْنِـی خَطَايَـایَ فَلْيُؤْمِنِّی عَفْوُکَ» (خدایا! از کیفـرت بـرایم حمایـت‌کننـده‌ای نیسـت؛ پـس بایـد عـزّت و توانایی‌ات حمایتم کند و برایم در پیشگاه تو شفیعی نیست؛ پس بایـد احسـانت شـفیع مـن شود و گناهانم مرا ترسانده؛ پس باید بخشش و گذشتت مرا امان دهد.) (صحیفه سـجادیه، ۲۵/۳۱، ۲۱/۳۲، ۱۰/۳۹، ۱۳/۴۸)

با توجه به کلام امام﴿ع﴾ در صحیفه سجادیه، یکی از اموری که عفو خداوند را در پی دارد، توبه می‌باشد؛ گفتنی است، همنشینی دو واژه "عفو" و "توبه" با یکدیگر در فراز «أَنْتَ الَّـذِی فَتَحْتَ لِعِبَادِکَ بَاباً إِلَی عَفْوِکَ وَسَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ» «تویی که بر بندگانت دری به سوی بخشـش خـود بازکرده‌ای، و آن را باب توبه نامیده‌ای». (صحیفه سجادیه، ۴۵/۱۰). معنای "عفـو از آثـار توبـه است" را به ذهن متبادر می‌سازد. و اگر عفو از نتایج توبه باشد پس نتایج عفو نیـز بـر توبـه مترتب خواهد شد؛ به تعبیری روشن، با توبه، انسان شامل عفو الهی شده و در نتیجه گناهانش پوشانده و از عواقب گناهانش و غضب الهی در آخرت ایمن خواهد شد.

با بررسی فراز فوق و همنشینی و انسجام و تلازم بینا واژگانی "توبه" و "عفو" می‌توان بدین نتیجه دست یافت که اثر و نتیجهٔ توبه، عفو و بخش الهی است که بـا حـبط گناهـان، ایمنی از عواقب الهی و مصونیت از نافرجامی و درک رستگاری حقیقی همراه است. نتیجه آنکه بررسی اهم روابط همنشینی در حوزهٔ این واژه، به خوبی نشان می‌دهد که این پدیده‌ی زبانی در تعیین مولفه‌های معنایی واژه و ظرافت‌هـای معنـایی پنهـان آن بسـیار تأثیرگـذار است؛ بنابر آنچه گفته آمد جایگزینی واژگان به ظاهر مترادف با تکیه بر روابـط همنشـینی، از اصالت تعبیر در گزینش هر واژه خبر می‌دهد که تحلیل‌گـر مـتن بایـد از ارجـاع آن بـه تعابیری دیگر خودداری نماید و به همان معنای تعیین شده در یک متن بدون هیچ تغییـری دست یابد. (قائمی‌نیا، ۱۲۹ و ۱۳۰)

۵-۵. همنشینی توبه با ضمیر عائد إلی الله

در قریب به اتفاق فرازهایی که شامل واژه توبه است، همنشینی با ضمایری بـه چشـم می‌خورد که مرجع آنها پروردگار است و این نمونه از پربسامدترین همنشینی‌ها می‌باشد؛ به عنوان نمونه می‌توان به ضمیر مخاطب «ک» در «إلیک» «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتُـوبُ إِلَیْـکَ فِـی یَـوْمِ فِطْرِنَا الَّذِی جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِینَ عِیداً...» (صحیفه سجادیه، ۵۲/۴۵) و ضمیر مسـتتر «أنـت» در فعل «إقبل» و ضمائر ظاهری «ک» و «أنت» در عبارت «إنک أنـت التـواب»، «...وَاقْبَـلْ تَوْبَتِی وَلَا تَرْجِعْنِی مَرْجِعَ الْخَیْبَةِ مِنْ رَحْمَتِکَ إِنَّکَ أَنْتَ التَّـوَّابُ عَلَـی الْمُـذْنِبِینَ..» (صـحیفه سجادیه، ۲۹/۳۱) اشاره نمود. آنچه از این همنشینی در صحیفه سجادیه حاصـل مـی‌شـود این است که واژه توبه در قبال خداوند وضع شده است و توبه‌پذیر همیشه خداوند است بـه طوری که به نظر می‌رسد توجه به پروردگار نیز لازمه مهم «توبه» می‌باشد. لذا کانون توجه در توبه باید به سوی الله باشد و پیوستگی کامل میان توبه‌کننده و توبه‌پـذیر وجـود داشـته باشد، بنابر نظر نگارنده آنچه به این پیوستگی و اتصال به خالق هستی در امر توبـه اشـاره دارد گزینش حرف جر "إلی" نیز می‌باشد که با توجه به مباحث نحوی "انتهای غایـت" را به نمایش می‌گذارد، با توجه به مفهوم انتهای غایت، این امر لازم در توبه مطرح اسـت کـه هدف در توبه و مقصد نهایی انسان در توبه باید رجوع به ذات اقدس الهی و پیوسـتگی بـا ملجأ و پناه واقعی باشد.

۶- مفهوم‌شناسی واژه إنابه

واژه "إنابه" مصدر باب إفعال است. مصدر ثلاثی مجرد آن "نَوب" از "نـابَ-یَنـوبُ" می‌باشد. (إبن‌درید، ۳۸۲/۱). ابن‌فارس عبور از یک مکان و رجوع به آن – إعتبارُ مکانٍ و رجوعُ الیه- را تنها معنای اصلی برای ماده "نوب" آورده است. از آنجاکـه زنبـور پـس از گشتنِ پی‌درپی به کندویش باز می‌گردد، به آن نیز «نُوب» می‌گویند. (ابـن‌فـارس، ۳۶۷/۵) اما مصطفوی معنای اصیل این ماده را نزول (پیاده شدن و پائین آمدن) در محلی همـراه بـا

اختیار و قصد تعبیر کرده است و در مورد إنابه نیز آن را برای متعدی کردن می‌داند کـه بـر قیام فعل به وسیله فاعلش دلالت می‌کند لذا آن را به معنای إنزال (فرود آوردن) معنا کـرده است. (مصطفوی، ۲۹۸/۱۲ و ۲۹۹) بر پایه این معانی مـاده اصـلی إنابـه، رجـوع و نـزول همراه با میل و اراده و اختیار قائم است.

۷- معناشناسی واژه إنابه در گستره روابط همنشینی

مصدر إنابه به همراه مشتقات اسم فاعل، ۱۰ مرتبه در صحیفه سجادیه تکرار شـده اسـت. با توجه به بررسی این واژه در صحیفه به نظر می‌رسد که تمامی مصادیق ایـن واژه در همـان معنای اصلی و کانونی خود یعنی "رجوع" یا "نزول در محلی با اختیار و قصد" می‌باشد.

فراز «وَ تَلَقَّیْتَ مَنْ عَصَاکَ بِالْحِلْمِ وَ أَمْهَلْتَ مَنْ قَصَدَ لِنَفْسِهِ بِالظُّلْمِ تَسْتَنْظِرُهُمْ بِأَنَاتِکَ إِلَی الْإِنَابَةِ وَ تَتْرُکُ مُعَاجَلَتَهُمْ إِلَی التَّوْبَـةِ لِکَیْلَا یَهْلِکَ عَلَیْکَ هَالِکُهُمْ...» «و با آن کـه بـا تـو بـه مخالفت برخاسته با بردباری روبرو می‌شوی و به آن که در حق خویش ستم کـرده مهلـت می‌دهی با صبر و بردباری خود مهلتشان می‌دهی تا به حضرتت بازگردنـد و در مواخـذه‌ی عاصیان شتاب نمی‌کنی تا به توبه موفق شوند تا هلاک‌شونده‌ی آنان بدون رضای تو هلاک نشود...» (صحیفه سجادیه، ۹/۴۵) می‌تواند حاوی این پیام باشد که خداوند بـا حلمـش در برابر عصیان بندگان و مهلت دادن به ایشان، در واقع مقدمه إنابـه و توبـه را بـرای بنـده‌اش مهیا می‌کند.

همانگونه که قبلا اشاره شد، «إنابه» از لوازم «توبـه» مـی‌باشـد و از نتـایجش هماننـد «توبه»، قبولی آن نزد خداوند است. چنانکه امام﵇ در این فراز «... وَ یَا مَـنْ عَـوَّدَ عِبَـادَهُ قَبُولَ الْإِنَابَةِ وَ یَا مَـنِ اسْتَصْـلَحَ فَاسِـدَهُمْ بِالتَّوْبَـةِ وَ...» «و ای آنکـه بـا گذشـت نیـک بـر آفریدگانش منت نهاده و ای آنکه بندگانش را به توبه‌پذیری عادت داده و ای آنکه اصـلاح تباهی‌های ایشان را به وسیله‌ی توبه خواسـته» (صـحیفه سـجادیه، ۱۰/۱۲) بـه آن اشـاره کرده‌اند. همچنین با توجه به کلام امام﵇، بازگشت (إنابه) خاطئین به سوی خداوند می‌تواند

نتیجه‌اش مورد رحمت خاص خداوند (رحیمیت) قرار گرفتن، باشد: «إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ عَلَی الْمُذْنِبِینَ وَ الرَّحِیمُ لِلْخَاطِئِینَ الْمُنِیبِینَ». (صحیفه سجادیه، ۲۹/۳۱، ۱۴/۳۷)

۷-۱. همنشینی واژگانی إنابه و معصیت

در صحیفه سجادیه، واژه "معصیت" ۲ مرتبه با "إنابه" همنشین شده است؛ بـه طـوری که امام﷣ إنابه را به ترک معصیت خداوند تعبیر نموده‌اند.«اللَّهُمَّ إِنْ یَکُنِ النَّـدَمُ تَوْبَـةً إِلَیْـکَ فَأَنَا أَنْدَمُ النَّادِمِینَ وَ إِنْ یَکُنِ التَّرْک لِمَعْصِیَتِکَ إِنَابَـةً فَأَنَا أَوَّلُ الْمُنِیبِینَ...» و «... فَأَمَّا الْعَاصِـی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَیْ یَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعْصِیَتِکَ حَالَ الْإِنَابَـةِ إِلَی طَاعَتِکَ» «ای خدای من، این حال کسی است که فرمان تو را برده و روش کسی است کـه تو را بندگی کرده اما کسی که امر تو را بجا نیاورده و نهیت را مرتکب شده پس در کیفرش شتاب نکردی تا حال خود را در معصیتت به حال توبه و بازگشت به طاعتت تغییـر دهـد» (صحیفه سجادیه، ۲۸/۳۱، ۱۴/۳۷) از این تعبیر می‌توان استنباط کرد که تـرک معصـیت از لوازم مهم «إنابه» می‌باشد به طوریکه امام﷣ انابه و ترک معصیت را به یک معنا گرفته‌انـد. در حقیقت در تبیین تفاوت معنایی دو واژه "توبه" و "إنابه" با تکیه بـر روابـط همنشـینی می‌توان گفت إنابه که از لوازم آن ترک معصیت است، خود لوازم توبه را شکل می‌دهد؛ لـذا إنابه مقدمه پذیرش توبه است؛ گفتنی است ترک معصیت ناظر به حال و آینده اسـت، یعنـی دوری کردن از گناهی که بنده هم اکنون مشغول آن است و گناهانی کـه در آینـده بـا آنهـا مواجه خواهد شد؛ بنابراین با توجه به اینکه امام﷣ ترک معصیت را إنابهٔ قلمـداد کـرده‌انـد پس إنابه نیز ناظر به آینده است. لذا شرط قبولی توبه ترک معصیت گذشته و عدم مبـادرت به گناهان آینده است.

۷-۲. همنشینی واژگانی إنابه و طاعت

واژه "طاعت" اسم مصـدر از مصـدر ثلاثـی مزیـد إطاعـه از بـاب إفعـال مـی‌باشـد.

(فراهیدی، ۲۰۹/۲). عسگری، "طاعت" را عملی می‌داند که بر حسب آنچه اراده کننده اراده کرده است، واقع می‌شود و این امر زمانی است که اراده کننده از جهت رتبه بالاتر از فاعل آن فعل باشد. "طاعت" هم در برابر خالق و هم در برابر مخلوق است و در معنای مجازیش تبعیت شخص دعوت شده از دعوت کننده به سوی آن چیزیست که او دعوت کرده است، گرچه تبعیت منظور نباشد. (عسکری، ۳۴۹/۱).

در مفردات، مصدر "الطَوع" به معنای انقیاد و فرمانبری آمده که نقطه مقابلش «کَرَه» ذکر شده است. راغب "طاعت" را همانند مصدر "طوع" می‌داند با این تفاوت که طاعت بیشتر در فرمانبری با رأی و اختیار در آنچه امر شده است و«أطاعَه یُطیعُه» نیز به معنای او را فرمان برد و گردن نهاد، می باشد. (راغب اصفهانی، ۵۲۹ و ۵۳۰).

مصطفوی یک معنای اصلی برای "طوع" ارائه می‌نمایند و آن عمل به مقتضای امر و حکم به همراه رغبت و خضوع است که اگر قید رغبت (تمایل) نباشد، معنای "کره" صدق می‌کند؛ صرف‌نظر از اینکه دو قید خضوع و عمل موجود باشد یا نباشد. "طاعت" نیز اسم و به معنای اصل مفهوم ماده است. إطاعت مصدر باب إفعال است و در آن قیام فعل به فاعل لحاظ می‌شود؛ بر همین اساس در قرآن کریم از اطاعت بنده به لحاظ اینکه از او صادر می‌شود و بنده باید به آن توجه داشته باشد و این کار به اراده و اختیار اوست به صیغه إفعال (إطاعت) تعبیر شده است. (مصطفوی، ۱۶۵/۷).

با بررسی لوازم واژه طاعت در صحیفه سجادیه می‌توان گفت، حمد الهی، «حَمْداً یَکُونُ وُصْلَةً إِلَی طَاعَتِهِ وَ عَفْوِهِ وَ سَبَباً إِلَی رِضْوَانِهِ وَ ذَرِیعَةً إِلَی مَغْفِرَتِهِ»، صحت و سلامتی انسان و برخورداری از نیرو و توان مناسب، مقدماتی هستند که زمینه را برای طاعت خداوند آماده می‌کنند. (صحیفه سجادیه، ۲۹/۱، ۳/۱۵، ۳/۲۳، ۱۳/۳۷). ثبوت نیت در اطاعت خداوند یکی از مؤلفه‌هایی است که امام﵇ آن را از خداوند خواستارند: «اللَّهُمَّ وَ ثَبِّتْ فِی طَاعَتِکَ نِیَّتِی وَ أَحْکِمْ فِی عِبَادَتِکَ بَصِیرَتِی...» که می‌توان آن را لازمه طاعت پروردگار دانست. با توجه به کلام امام﵇، نجات مطیعین «...وَ یَا مَنْ طَاعَتُهُ نَجَاةٌ لِلْمُطِیعِینَ...»،

رسیدن به خیر و رشد و صواب؛ «وَ الْمُوَفَّقِینَ لِلْخَیْرِ وَ الرُّشْدِ وَ الصَّوَابِ بِطَاعَتِکَ» و خضوع بیشتر در برابر خداوند «وَأَتْمِمْ عَلَیْنَا بِاسْتِکْمَالِ طَاعَتِکَ فِیهِ الْمِنَّةَ»، کسب ثواب و جزای الهی و تکمیل نعمت الهی بر بنده «و تُثِیبُ عَلَى قَلِیلِ مَا تُطَاعُ فِیهِ حَتَّى کَأَنَّ شُکْرَ عِبَادِکَ الَّذِی أَوْجَبْتَ عَلَیْهِ ثَوَابَهُمْ»، «وَ أَعْدَدْتَ ثَوَابَهُمْ قَبْلَ أَنْ یُفِیضُوا فِی طَاعَتِه» و در نهایت وصول به شرافت انسانی «فَإِنَّ الشَّرِیفَ مَنْ شَرَّفَتْهُ طَاعَتُکَ»، همه از نتایج اطاعت خداوند است. (صحیفه سجادیه، ۷/۶، ۱۱/۲۵، ۴/۳۵، ۶/۳۷ و ۷ و ۱۲، ۷/۴۳).

واژگان طاعت و إنابه دو مرتبه در صحیفه سجادیه با یکدیگر همنشین شده‌اند (صحیفه سجادیه، ۳۳/۱۶، ۱۴/۳۷)؛ در فراز «هَذَا یَا إِلَهِی ... فَأَمَّا الْعَاصِی أَمْرَکَ وَ الْمُوَاقِعُ نَهْیَکَ فَلَمْ تُعَاجِلْهُ بِنَقِمَتِکَ لِکَیْ یَسْتَبْدِلَ بِحَالِهِ فِی مَعْصِیَتِکَ حَالَ الْإِنَابَةِ إِلَى طَاعَتِکَ...» «این ای خدای من .. اما کسی که امر تو را بجا نیاورده و نهیت را مرتکب شده پس در کیفرش شتاب نکردی تا حال خود را در معصیتت به حال توبه و بازگشت به طاعتت تغییر دهد» (همانجا، ۱۴/۳۷) امام ﷺ إنابه و رجوعی که به سبب ترک معصیت حاصل خواهد شد را به إنابه و بازگشت به سوی طاعت خداوند بیان کرده‌اند پس با توجه به این فراز مشخص می‌شود که قصد امام ﷺ از إنابه که در فراز ۲۸/۳۱ آن را ترک معصیت تعبیر نموده بودند، در واقع انابه و بازگشت به سوی طاعت پروردگار است. علاوه بر این به نظر می‌رسد تقابل معنادار دو واژه "معصیت" و "طاعت" در این فراز این پیام را می‌رساند که این دو واژه در تناقض با یکدیگرند به گونه‌ای که نفی یکی موجب اثبات دیگری می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت، ترک معصیت که لازمه انابه است، طاعت خداوند را نیز به همراه دارد و می‌توان افزون بر ترک معصیت واژه "طاعت" را نیز از لوازم مهم "إنابه" محسوب کرد.

در همنشینی واژه "معصیت" با "توبه" بیان شد که ترک معصیت از لوازم "توبه" نیز می‌باشد پس می‌توان «طاعت» را نیز با تحلیلی که بیان شد از لوازم توبه محسوب کرد، چنان‌چه در فراز «وَاجْعَلْنَا عِنْدَکَ مِنَ التَّوَّابِینَ الَّذِینَ أَوْجَبْتَ لَهُمْ مَحَبَّتَکَ وَ قَبِلْتَ مِنْهُمْ مُرَاجَعَةَ طَاعَتِکَ یَا أَعْدَلَ الْعَادِلِینَ» «و ما را نزد خود از توبه‌کنندگانی قرارده که محبت و

دوستیت را برای آنها واجب و لازم نموده‌ای و از ایشان بازگشت به طاعتت را پذیرفته‌ای ای عادل‌ترین عدالت دارندگان» (صحیفه سجادیه، ۵۴/۴۵) می‌توان همراهی طاعت با توبه را مشاهده نمود.

۷-۳. همنشینی واژگانی إنابه با ضمایر عائد إلی الله

این ضمایر پربسامدترین همنشین‌های "إنابه" هستند؛ به طوریکه در هر کجا از صحیفه که واژه إنابه به کار رفته است، این ضمایر نیز وجود دارند که مرجع همه آنها به خداوند باز می‌گردد و قرائنی هستند که معنای إنابۀ را بازگشت به سوی خداوند تعبیر می‌نمایند همانند ضمیر (ک) در (تَلقّاک) در این فراز «الَّذِی عَظُمَتْ ذُنُوبُهُ فَجَلَّتْ ...وَ لَا مَهْرَبَ لَهُ عَنْکَ تَلَقَّاکَ بِالْإِنَابَةِ» (صحیفه سجادیه، ۸/۱۲)، بنابراین در صحیفه سجادیه واژه إنابه همانند واژه توبه تنها در معنای بازگشت به سوی پروردگار استفاده شده است.

براساس تبیین روابط معنایی دو واژه به ظاهر هم معنای «توبه» و "إنابه" و تحلیل مؤلفه‌های آن از طریق روابط همنشینی در متن صحیفه، شبکه‌ای در هم تنیده و تعاملی معنادار میان واژگان همنشین هر یک صورت می‌پذیرد که تفاوت معنی‌شناختی هر یک را فراهم می‌آورد.

نتایج مقاله

۱. در بررسی واژگان همنشین با واژه "توبه"، این واژه در کانون ارتباط با واژگانی مطلوب مانند "ندامت از گناه"، "تضرع و عبادت به درگاه الهی"، "حبط گناهان" و "کانون توجه خداوند بودن و رجوع إلی الله" پدیدار می‌گردد؛ در این باهم‌آیی، لازمه توبه، ندامت از گناه مطرح شده که شرط لازم برای پذیرش توبه خواهد بود.

۲. در بررسی واژگان همنشین با واژه "إنابه"، مصادیق اصلی را "ترک معصیت"، "طاعت و بندگی حق" و "رجوع به سوی خداوند" دربرمی‌گیرد، با توجه به این خوانش،

إنابه در زمره لوازم معنایی واژه توبه قرار دارد و می‌تواند در توسعه معنایی آن نقش داشته باشد؛ شرط لازم برای پذیرش انابه، ترک معصیت از گناه گذشته و آینده بوده که این امر به تفاوت معنایی دو واژه مذکور اشاره دارد؛ به تعبیری روشن، ندم همان توبه است که ناظر بر گذشته می‌باشد همچنانکه ترک معصیت به معنای "إنابه" و ناظر به آینده است. از سوی دیگر واژه "إنابه"، لازمه توبه است و می‌تواند معنای خود را به توبه توسعه دهد بنابراین غیر صحیح نیست اگر گفته شود توبه نیز بدین وسیله می‌تواند ناظر به آینده هم باشد یعنی توبه زمانی شکل می‌گیرد و پا بر جاست که تائب علاوه بر پشیمانی از گناه گذشته، از گناه حال و آینده نیز دست بردارد.

۳. در خوانش لوازم معنایی و همنشینی‌های بیناواژگانی توبه و إنابه در صحیفه سجادیهٔ، واژه توبه نسبت به إنابه از بسامد بالایی در گستره لوازم معنایی و روابط همنشینی با سایر واژگان برخوردار است؛ در نتیجه می‌تواند معنای وسیع‌تری نسبت به واژه إنابه در خود حمل نماید؛ در حقیقت، واژه توبه شامل تمامی لوازم معنایی واژه إنابه بوده حال آنکه واژه إنابه فاقد بسیاری از لوازم معنایی «توبه» است.

۴. در گستره‌ی باهم‌آیی‌های واژگانی هر یک از این دو واژه، واژه ندم، فقط از لوازم توبه محسوب می‌شود در حالیکه به هیچ وجه همنشین با إنابه یا از لوازم معنایی آن نمی‌باشد. همچنین در صحیفه، همنشینی دعا و عفو را نمی‌توان برای واژه إنابه مشاهده کرد در حالیکه این دو واژه با توبه همنشین شده و سایه معناهایی را به آن می‌افزاید.

۵. افزون بر معانی مشترکی همچون، کانون توجه خداوند بودن و رجوع إلی الله در توبه و إنابه، معانی ضمنی با توجه به سیاق آیات و و روابط همنشینی موجود در هر واژه شکل گرفته که حکایت از ترادف نسبی و عدم جایگزینی این دو واژه در سیاق‌های مختلف دارد.

کتابشناسی

۱. صحیفه سجادیه
۲. إبن‌أثیر، مبارک بن محمد، النهایه فی غریب الحدیث و الأثر، محقق: محمود محمد طناحی و طاهر احمد زاوی، قـم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۳۶۷ش.
۳. إبن‌دُرَید، محمد بن حسین، جمهرةألغة، بیروت: دارالعلم للملایین، چ اول، ۱۹۸۸م.
۴. إبن‌سیده، علی بن اسماعیل، بیروت: دار الکتب العلمیۀ، چ اول، بی‌تا.
۵. همو، المحکم والمحیط الاعظم، محقق: عبدالحمید هنداوی، بیروت: دارالکتب العلمیه، چ اول، ۱۴۲۱ق.
۶. إبن‌فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، محقق: عبدالسـلام محمـد هـارون، قـم: مکتـب الاعـلام الاسـلامی، چ اول، ۱۴۰۴م.
۷. اِچسون، جین، زبان‌شناسی همگانی، مترجم: حسین وثوقی، تهران: انتشارات علوی، ۱۳۷۶ش.
۸. الأزهری، محمد بن احمد، تهذیب اللغة، محقق: محمد عـوض مرعـب، بیـروت: دار إحیـاء التـراث العربـی، چاول، ۲۰۰۱م.
۹. بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن، اعجاز بیانی قرآن کریم، مترجم: حسین صبوری، تهران: شرکت انتشارات علمـی و فرهنگی، چاول، ۱۳۷۶ش.
۱۰. تاجیک، محمدرضا و همکاران، گفتمان تحلیل گفتمانی، مجموعه مقالات، تهران: فرهنگ گفتمان، ۱۳۷۹ش.
۱۱. جوهری، إسماعیل بن حماد، محقق: عطار احمد عبد الغفور، بیروت: دارالعلم للملایین، چ اول، ۱۳۷۶م.
۱۲. چندلر، دانیل، مبانی نشانه‌شناسی، مترجم: مهدی پارسا، تهران: سوره مهر، ۱۳۷۸ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات للألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، چاول، ۱۴۱۲ق.
۱۴. سبکی، علی بن عبدالکافی، الإبهاج فی شرح المنهاج، بیروت: مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ۱۳۸۷ش.
۱۵. صاحب بن عباد، اسماعیل، محیط فی اللغۀ، محقق: محمد حسین آل‌یاسین، بیروت: عالم الکتب، چ اول، ۱۴۱۴ق.
۱۶. صافی، محمود بن عبد الرحیم، الجدول فی اعراب القرآن، بیروت: دارالرشید موسسه الإیمان، چ چهارم، ۱۴۱۸ق.
۱۷. صفوی، کورش، درآمدی بر معنی‌شناسی، تهران: سوره مهر، چ‌پنجم، ۱۳۸۷ش.
۱۸. همو، از زبان‌شناسی به ادبیات (جلد دوم: شعر)، تهران: انتشارات سورۀ مهر، ۱۳۹۰ش.
۱۹. العسکری، أبوهلال حسن بن عبدالله، معجم الفروق اللغوية، محقق: شیخ بیت‌الله بیات، قم: موسسۀ النشر الاسـلامی، ۱۴۱۲ق.
۲۰. عبدالتواب، رمضان، مباحثی در فقه اللغة و زبان‌شناسی عربی، مترجم حمیدرضا شیخی، بی‌جا: معاونـت فرهنگـی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۶ش.
۲۱. فاطمی‌نیا، عبدالله، سیری در صحیفه سجادیه، سایت ثقلین(howzeh.thaqalain.ir)، شماره۱۰۶، ۲۳ / ۵ / ۱۳۹۷
۲۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم: نشر هجرت، چ‌دوم، ۱۴۰۹ش.
۲۳. قائمی‌نیا، علیرضا، بیولوژی نص (نشانه‌شناسی و تفسیر قرآن)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشۀ اسلامی، چ‌دوم، ۱۳۹۳ش.
۲۴. گیررتس، دیرک، نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی، مترجم: کورش صفوی، تهران: انتشارات علمی، ۱۳۹۳ش.
۲۵. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، دارالکتب العلمیه، قاهره، چ‌سوم،۱۴۳۰ق.
۲۶. معموری، علی، «دانش زبان‌شناسی و کاربردهای آن در مطالعات قرآنی»، قرآن و علم، ش۱، ۱۳۸۶ش.